

Research Paper

The Israeli-American Alliance against the Islamic Republic of Iran from the Perspective of Threat Balance

Majid Abbasi (Eshlaghi)^{*1} , Elham Shahbazi² 

¹ Associate Professor of International Relations, Allameh Tabataba'i University

² Graduated of International Relations, Allameh Tabataba'i University



10.22080/JPIR.2020.16723.1087

Received:

July 27, 2019

Accepted:

July 22, 2020

Available online:

February 10, 2024

Keywords:

Realism, Threat Balance, Alliance and Coalition, National Interest, National Security

Abstract

After the victory of the Islamic Revolution, Israel was recognized as the occupying regime of the Palestinian land. Therefore, Iran followed the policy and strategy of supporting the Palestinian movements in the fight against Israel. Israel felt threatened and tried to balance through the alliance with America against Iran. This article uses Stephen Walt's threat balance theory to answer that question why does Israel feel threatened by Iran and ally with the US? The hypothesis is that Iran's support for Palestinian resistance movements, efforts to achieve nuclear capability, Holocaust denial, and recognition Israel as the occupation regime are the reasons that Israel is closer to the US. Based on the theory of balance of threat, this is the main reason for Israel's hostility to the Islamic Republic of Iran.

***Corresponding Author:** Majid Abbasi (Eshlaghi)

Address: Allameh Tabataba'i University

Email: dr.majidabbasi@gmail.com

Tel: 09125467305

علمی

اتحاد اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر موازنه تهدید

مجید عباسی(اشلقی)^{*۱} ID، الهام شهبازی^۲ ID

^۱ دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: dr.majidabbasi@gmail.com

^۲ مدرس دانشگاه جامع علمی-کاربردی

Email: e77.shahbazi@yahoo.com

 10.22080/JPIR.2020.16723.1087

چکیده

با توجه به اینکه در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم اسرائیل به عنوان موجودیتی نامشروع و اشغالگر تلقی شده و یکی از سیاست های اصولی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در حمایت از جنبش های مقاومت بر علیه اسرائیل قرار دارد، این رژیم با احساس تهدید مواجه بوده و همواره تلاش داشته است تا در برابر این تهدید به ایجاد موازنه بپردازد. لذا این پژوهش با مبنا قرار دادن نظریه موازنه تهدید استغن والت و با پژوهشی تئوریک در پی پاسخ به این پرسش اصلی می باشد که؛ عوامل مؤثر بر احساس تهدید و هراس رژیم اسرائیل از جمهوری اسلامی ایران و دلایل نزدیکی آن به ایالات متحده آمریکا از دیدگاه نظریه موازنه ی تهدید چیست؟ در پاسخ به سؤال اصلی این فرضیه مورد آزمون قرار می گیرد که؛ حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش های مقاومت و قطع ارتباط و اعلام عدم مشروعیت رژیم اسرائیل در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش برای افزایش قدرت و دست یابی به انرژی هسته ای و تشکیک در موضوع هولوکاست که یک از بهانه های اشغال سرزمین فلسطین است، موجب شده که این رژیم، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی علیه موجودیت خود قلمداد کند. این امر موجب نزدیکی بیش از پیش رژیم اسرائیل به ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف کاستن از تهدیدات مزبور شده است.

تاریخ دریافت:

۰۵ مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش:

۰۱ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:

۲۱ بهمن ۱۴۰۲

کلیدواژه ها:

واقع گرایی، موازنه تهدید، اتحاد و ائتلاف، منافع ملی، امنیت ملی.

* نویسنده مسئول: مجید عباسی(اشلقی)

آدرس: دانشگاه علامه طباطبائی

ایمیل: dr.majidabbasi@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۲۵۴۶۷۳۰۵

۱ مقدمه

بی تردید واقع گرایی مهمترین و پایدارترین نظریه ی روابط بین الملل است. در رشته ی روابط بین الملل، یکی از مهمترین اصول پذیرفته شده، اصل توازن قوا محسوب می شود که از جمله باورهای اولیه ای است که مورد قبول طرفداران نظریه واقع گرایی می باشد. اما این نظریه یک مکتب مشخص فکری نیست و نمایندگان آن حتی گاهی اوقات در تعریف مفروضه های مشترک خود نیز اتفاق نظر ندارند. از اینرو تقسیم بندی هایی در درون این نظریه صورت گرفته است که از نظر اصول اساسی با یکدیگر تفاوتی ندارند اما در برخی زمینه ها و حوزه های خاص تفاوت هایی میان آنها مشاهده می شود. به همین دلیل واقع گرایی به واقع گرایی کلاسیک و ساختاری تقسیم شده است. واقع گرایی ساختاری نیز خود به واقع گرایی تدافعی و تهاجمی تقسیم می شود، واقع گرایان تدافعی نظام بین الملل را آنارشیک می دانند، اما آنارشی از منظر آنها بی ضررتر از آن چیزی است که واقع گرایان تهاجمی تصور می کنند. اما در نوع تهاجمی این گونه تصور می شود که نظام بین الملل به دلیل آنارشیک بودن باعث بروز جنگ می گردد، صلح بندرت تداوم می یابد و آنچه اصل محسوب می گردد جنگ و درگیری است و دولت عقلانی دولتی است که راهبرد تهاجمی را برای کسب امنیت بیشتر مورد پیگیری قرار دهد زیرا در نظام بین الملل به علت عدم وجود اقتدار مرکزی دولت ها همیشه از توانایی و ظرفیت های تهاجمی برخوردارند. واقع گرایان تدافعی و مبدع اصلی آن یعنی استفن والت بر عامل تهدید در شکل گیری اتحادها و ائتلاف ها تأکید دارند. از دیدگاه والت مهمترین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها نه شکل توزیع توانایی ها در عرصه بین المللی بلکه میزان تهدید است و اینجاست که والت نظریه خود تحت عنوان توازن تهدید را در مقابل توازن قوای سنتی مطرح می کند. وی برخلاف تصور پذیرفته شده بر این باور است که آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی تحت عنوان موازنه قوا مطرح بوده، در عرصه ی عملی

موازنه تهدید بوده است. معنای این گفته آن است که کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند، بلکه آنها در پی ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می شود.

با عنایت به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حمایت از ملت های مظلوم، مستضعف و جنبش های آزادیبخش بویژه پشتیبانی از مبارزات گروههای جهادی فلسطینی و حزب الله لبنان بر علیه اسرائیل یکی از سیاست های اصولی جمهوری اسلامی ایران بوده و در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و علاوه بر آن نفوذ سیاسی و قدرت نظامی ایران در غرب آسیا رو به فزونی بوده است لذا رژیم اسرائیل از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران همواره احساس تهدید کرده و تلاش نموده تا برای این رفع تهدید به ایجاد موازنه پردازد. بنابر این، پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن نظریه موازنه تهدید در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که؛ عوامل مؤثر بر احساس تهدید و هراس رژیم اسرائیل از جمهوری اسلامی ایران و دلایل نزدیکی آن به ایالات متحده آمریکا از دیدگاه نظریه موازنه تهدید چیست؟ فرضیه نیز عبارت از این است که؛ «حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش های مقاومت و قطع ارتباط و اعلام عدم مشروعیت رژیم اسرائیل در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش برای افزایش قدرت و دست یابی به انرژی هسته ای و تشکیک در موضوع هولوکاست که بهانه اشغال سرزمین ملت فلسطین است، موجب شده که این رژیم، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی علیه موجودیت خود قلمداد کند. این امر موجب نزدیکی بیش از پیش این رژیم به ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف کاستن از تهدیدات مزبور شده است.» روش پژوهش تبیینی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه ای-اسنادی می باشد.

۲ اصول و آموزه های نظریه موازنه ی تهدید

استفن والت مبدع نظریه موازنه ی تهدید معتقد است که دولت ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی کنند، بلکه موازنه در برابر دولت هایی صورت می گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجاد کننده ی موازنه، تهدید کننده نیز باشد. بر این اساس از دیدگاه والت صرف عنصر قدرت باعث رفتار موازنه گر نمی شود و موازنه ی تهدید مفهومی جامع تر و با قدرت تبیین کنندگی بالاتری تلقی می شود. این نظریه استدلال می کند که ائتلاف ها جهت موازنه در قبال تهدیدات شکل می گیرند. از نظر وی، اگر سایر متغیرها ثابت باشند افزایش هر یک از این عوامل به احتمال زیاد سایر دولت ها، به ویژه قدرتهای بزرگ را وادار به انجام اقداماتی برای حفاظت از خود می کند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۲) وی معتقد است که دولت یا دولت های تهدید کننده لزوماً جزء قویترین دولت ها نیستند و منظور وی از تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت ها بستگی ندارد، بلکه برداشتی که دولت ها در روابط خود از تهدید دارند مدنظر است. (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

اما سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که دولت ها تهدید را چگونه و بر اساس چه شاخص هایی درک می کنند؟ در پاسخ به این سؤال، استفن والت معتقد است که تهدیدات براساس چهار شاخص اصلی زیر مورد ارزیابی قرار می گیرند:

الف) توانایی ها: که شامل جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلیتیک قدرت است. از این منظر هر چه میزان توانایی های یک کشور در قیاس با کشور دیگر بیشتر باشد توان تهاجمی او نیز افزایش می یابد. تهدید مؤثر و فعال از منظر استفن والت، آنگاه قابل توجه و موجب نگرانی است که کشور تهدید کننده از قدرت اقتصادی با دوام و مستمر و قابل توجه، وسعت سرزمینی، جمعیت فراوان و توانایی نظامی و بسیج انسانی بیشتری برخوردار باشد. (شعرباف، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵)

۵۰) دولت های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می شوند، زیرا هرگز نمی توان تضمینی در برابر نحوه ی استفاده آنها از قدرتشان داشت. به موازات افزایش قدرت آنها، دیگران در مورد احتمال سوء استفاده آنها از قدرتشان نگران خواهند شد. بر این اساس افزایش قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و اتخاذ اقدامات موازنه ای می انجامد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳) اما این شاخص به تنهایی نمی تواند منبع و منشأ تهدید باشد، بلکه به شاخص دیگری نیاز دارد.

ب) مجاورت: والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله ی جغرافیایی در رابطه ی معکوس می داند. تهدید در شرایطی قابلیت تحقق پیدا می کند که فاصله ی میان دو کشور مانعی در راه اجرا و انجام تهدید نباشد. دولت های مجاور قادر به ایجاد تهدیدات بزرگتری هستند. از نظر والت کشورهای تهدید را هر اندازه نزدیکتر باشد، به شکل بیشتر و بهتری درک می کنند. (ترابی، ۱۳۸۸: ۳۹) البته والت می پذیرد که افزایش برد موشک ها و هواپیماهای جنگنده سبب ایفای نقش قابل توجهی در انتقال تهدید به کشور دیگر شده است. (شعرباف، ۱۳۹۱: ۵۰)

ج) توانایی تهاجمی: قدرت تهاجمی کشور تهدید کننده عموماً مبتنی بر شاخص های نظامی، سرباز، هزینه های نظامی از تولید ناخالص ملی و نظایر آن است. بر این اساس همه کشورها به هزینه های نظامی کشورهای دیگر حساس اند و افزون بر آن مستمراً به رصد توانایی ها و ظرفیت های نظامی بالقوه و بالفعل سایرین می پردازند. به نظر والت دستیابی دولت ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص مانند ایدئولوژی دامن گستر، آنها را تهدیدزاتر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می کند. در نتیجه اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی های تهاجمی ای دست یابد، سایر دولت ها احتمالاً به موازنه روی خواهند آورد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵)

کشورهای ضعیف تر اتحاد با کشور تهدید کننده را موفقیت آمیزتر می دانند. (ترابی، ۱۳۸۸: ۴۰-۴۱)

۳ تهدیدات جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم اسرائیل از منظر نظریه موازنه تهدید

اسرائیل جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی علیه خود می داند و به خوبی به این نکته واقف است که ایران در خاورمیانه نقشی تعیین کننده و کلیدی دارد. از نگاه اسرائیل، ایران در حلقه اول تهدیدات این رژیم قرار دارد. در این بخش به تطبیق متغیرهای تهدید مورد نظر استنفن والت در نظریه موازنه تهدید، اهمیت و جایگاه ایران در منطقه و این موضوع که چرا اسرائیل ایران را تهدیدی علیه خود قلمداد می کند خواهیم پرداخت.

۳٫۱ توانایی ها و قابلیت های جمهوری اسلامی ایران

مقایسه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل از این جهت بسیار معنا دار خواهد بود. تاریخ چند هزار ساله، جغرافیای وسیع، موقعیت راهبردی، توانمندی های اقتصادی، منابع کافی، جمعیت انبوه، نیروی نظامی پر تعداد و مواردی از این دست با کشوری مبتنی بر سیاست های اشغالگرانه که عمق تاریخی بیش از ۶ دهه ندارد، اساساً قابل قیاس نیست. فقدان عمق راهبردی رژیم اسرائیل، وجود همسایگان متخاصم، جمعیت اندک و عموماً غیر بومی و نبود منابع کافی مورد نیاز، این رژیم را در شرایط ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی قرار می دهد که امکان برقراری توازن را میسر نمی کند. (شعرباف، ۱۳۹۱: ۵۷)

ایران جزء خلیج فارس، خاورمیانه و منطقه ی دریای خزر است و با پانزده کشور همسایه است که این امر موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی مهمی برای ایران ایجاد کرده است ایران همچنین دارای

(د) **نیات تهاجمی:** داشتن توانایی حمله و تهدید لزوماً بیانگر خواست و اراده ی کشوری نیست، بنابراین والت علاوه بر شاخص های فوق به شاخص بسیار مهم دیگر که نیات تهاجمی است می پردازد، از نظر او هر چه نیات تهاجمی یک کشور بیشتر باشد میزان تهدید درک شده میان سایر کشورها به همان میزان افزایش می یابد و پیرو آن، آمادگی برای پاسخ به حملات احتمالی و اتخاذ شیوه ها و روش های خصمانه در تعامل با کشور مذکور بیشتر می شود. (شعرباف، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۰)

پس از بررسی این متغیرها سؤال دیگری که مطرح می شود این است که پس از درک تهدید، دولت ها در مقابل آن چه راهکارهایی در پیش می گیرند؟ از نظر والت، در حالت تهدید دو راه حل وجود دارد: در حالت اول کشورهایی که مورد تهدید واقع شده اند براساس اصل توازن تهدید دست به توازن می زنند. زیرا هرگاه دولت ها احساس کنند که موجودیت و یا منافع آنها از ناحیه سایر دولت ها با تهدید روبروست، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آن می پردازند. علت آنکه دولت ها به توازن روی می آورند در دو مسئله است: اول اینکه بقای آنها وابسته به توازن دادن آن تهدید است. در صورتی که کشورها در مقابل تهدید توازن را ایجاد نکنند، بقای خود را به خطر انداخته اند. دوم آنکه، اتحاد با طرف ضعیف تر باعث افزایش نفوذ می گردد، در حالیکه اتحاد با طرف تهدید کننده، باعث نفوذ کشور قدرتمندتر می گردد. پاسخ دومی که می تواند در مقابل تهدید در پیش گرفته شود، ملحق شدن به آن یا به عبارت دیگر اتحاد با طرف تهدید کننده است. زیرا هر چه میزان قدرت و در نتیجه میزان تهدید بیشتر باشد، کشورها اعتماد بیشتری به طرف تهدید کننده می کنند و برای رهایی از آن تهدید به کشور قدرتمندتر ملحق می شوند. نکته مهمی که والت به آن اشاره می کند این مسئله است که کشورها با توجه به قدرت خود دست به توازن یا اتحاد با طرف قویتر می زنند. کشورهای قدرتمندتر اصل توازن را مورد توجه قرار می دهند، در حالیکه

ایران علیه خود را بیشتر و بهتر درک کند. به ویژه اینکه با توسعه ی فناوری ها این نزدیکی مکانی بیش از پیش خود را نشان می دهد. جمهوری اسلامی ایران امروزه به لحاظ فناوری موشکی و نظامی در اوج پیشرفت قرار دارد و می تواند تمام نقاط سرزمین های اشغالی را هدف قرار دهد. همچنین این نزدیکی جغرافیایی با توجه به طول و عمق و عرض جغرافیایی ایران با رژیم اسرائیل، در اساس کفه ترازوی رقابت را به نفع ایران سنگین تر می کند.

گرچه اسرائیل مرز مشترکی با ایران ندارد اما جمهوری اسلامی برای مقابله عملی با رژیم اسرائیل از حزب الله لبنان و گروه های فلسطینی مانند حماس حمایت می کند و لذا رژیم اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین حامی حزب الله و سایر گروه های مقاومت می داند.

به اعتقاد کارشناسان اسرائیلی، ایران بیشترین حمایت های مالی و نظامی را از حزب الله داشته است. به گفته این کارشناسان، ایران به چریک های حزب الله در پایگاه هایی در داخل ایران و لبنان آموزش نظامی می دهد و علاوه بر این، مقادیر بسیاری از تسلیحات از قبیل موشک های میان بردی که می توانند از جنوب لبنان حیفار را هدف قرار دهند، به حزب الله می رساند. (احدی، ۱۳۸۵: ۱۸۱) حزب الله در طی ۳ دهه ی گذشته با حمایت ایران، با به بازی گرفتن ارکان و اعتبار بازدارندگی اسرائیل کلیه ی معادلات استراتژیست های اسرائیلی را به هم ریخته است. (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۵۱) همچنین دستیابی ایران به موشک های بالستیک میان برد شهاب ۳ به افزایش عمق استراتژیک نیروهای ایرانی برای بازدارندگی با حمله به قلمروی اسرائیل منجر شده است. (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۲۰۴) با دست یابی به این فناوری بعد ژئوپلیتیک در دوری یا نزدیکی دو طرف عملاً بی معنا شده است.

۳،۳ توانایی تهاجمی

همانطور که پیش تر اشاره شد به نظر والت دستیابی دولت ها به توانایی نظامی ویژه و توانایی

منابع انسانی فراوانی می باشد. با توجه به این موقعیت، پتانسیل و جایگاه، توانایی تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه ای برای این کشور وجود دارد.

ایران می تواند نقش محدود کننده یا تسهیل کننده برای دسترسی مورد نیاز سایر کشورها به منابع استراتژیک (مانند نفت و قلمرو) داشته باشد، بعنوان مسیر انتقال کمک های نظامی (شامل اسلحه و وجوه نقد) از کشوری به کشور دیگر عمل کند، یا مبادرت به ارسال نیروی نظامی، داوطلب یا مستشار نظامی به کشورهای درگیر جنگ کند و به نوعی تأمین مالی بخشی از فعالیت های دفاعی سایرین را به عهده بگیرد. (لطفیان، ۱۳۸۷: ۱۹۲)

منابع اقتصادی فراوانی نیز در ایران وجود دارد. نفت و گاز و منابع مادی دیگری که در ایران هستند بسیار غنی و ارزشمند می باشند. نفت به عنوان منبع اصلی تأمین سوخت کشور و درآمد دولت، از ارکان اصلی قدرت حکومت و ثبات ایران می باشد و سهم فوق العاده زیادی از قدرت و ثبات کشور متکی به نفت است. (حشمت زاده، ۱۳۷۶: ۹۸) ایران به لحاظ اقتصادی کانون انرژی کل منطقه ی جنوب غربی آسیا تلقی می شود و به لحاظ تجاری به دلیل اینکه در کانون چهار بازار عمده ی خلیج فارس، آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و خاورمیانه است، پیوستگی تجاری منطقه ای از طریق ایران تحقق می یابد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۳۵)

همانطور که پیش تر اشاره شد افزایش توانایی ها و قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و اتخاذ اقدامات موازنه ای می انجامد. عوامل فوق بیانگر توانایی های بالای جمهوری اسلامی ایران می باشد که موجب شده رژیم اسرائیل، ایران را تهدیدی علیه خود قلمداد کند.

۳،۲ مجاورت ژئوپولیتیک

جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل هر دو در منطقه ی خاورمیانه هستند، جمهوری اسلامی ایران تهدید بزرگی علیه اسرائیل محسوب می شود و این نزدیکی جغرافیایی موجب شده تا اسرائیل تهدید

از جهان حمایت می کند. (دهقانی فیروزآبادی و تاجیک، ۱۳۸۲: ۶۷) ایران در شمار کشورهای است که نظام بین الملل کنونی را عادلانه نمی داند و از آنرو که پیرو ارزش های دینی ویژه ای است، ارزش های موجود در نظام بین الملل را مناسب و دلخواه نمی شمارد و منتقد آن است. (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۵: ۸۶) امام (ره) می فرماید: "ما باید با شدت هرچه بیشتر انقلاب خودمان را به جهان صادر کنیم، ما حامی تمام محرومان می باشیم، ما باید نشان دهیم که توسط اعتقادمان با جهان مقابله می کنیم." اما روایت فراملی این گفتمان به مثابه یک تهدید بزرگ برای قدرت های بزرگ و همچنین رژیم اسرائیل است. (دهقانی فیروزآبادی و تاجیک، ۱۳۸۲: ۶۹) بر مبنای این مکتب هدف اصلی انقلاب اسلامی ایران عبارتست از: استقرار حاکمیت اسلام و حفظ وحدت جهان اسلام، مبارزه با دشمنان اسلامی، استثمارگران و استثمارگران سرزمین های اسلامی، مبارزه با ظلم، سلطه و استعمار در سطح جهان، کمک به نهضت های اسلامی، انسانی و رهایی بخش در سطح جهان و استقرار صلح و آرامش در جهان از راه براندازی ظلم، سلطه و استعمار. (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۴) مبنای انقلاب اسلامی ایران، منافع اسرائیل و بسیاری از کشورهای محافظه کار منطقه را در معرض خطر قرار داده است. به همین دلیل تهدید بزرگی برای منافع رژیم اسرائیل محسوب می شود زیرا جمهوری اسلامی ایران در اساس با ماهیت وجودی چنین رژیمی مخالف است. قدرت تهاجمی ایران در مقابل رژیم اسرائیل در هر دو بعد قدرت نرم افزاری و سخت افزاری موجب افزایش احساس تهدید این رژیم شده است.

۳،۴ نیات تهاجمی

رژیم اسرائیل که بر پایه تهاجم، تجاوز و اشغالگری شکل گرفته و به کنوانسیون های خلع سلاح بین المللی نیز نپیوسته است، مدعی است که نسبت به نیات جمهوری اسلامی ایران در توسعه و پیشرفت در حوزه های مختلف علمی، فناوری و نظامی بی

سیاسی خاص مانند ایدئولوژی دامن گستر آنها را تهدیدزاتر می کند. جمهوری اسلامی ایران، با توجه به توان تسلیحاتی نظامی- دفاعی و پیشرفت های هسته ای، مهمترین و بزرگترین هدف رژیم اسرائیل به شمار می رود. ایران با برخورداری از بسیاری از عوامل قدرت، به هژمونی منطقه ای و رقیبی استراتژیک برای رژیم اسرائیل تبدیل شده است. این امر به موازات ایدئولوژی اسلام گرایانه شرایط را برای تصور آن به عنوان خطری بالفعل برای رژیم اسرائیل فراهم ساخته است. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۹)

ایران در خاورمیانه می تواند بیشتر از یک قدرت ملی و جغرافیایی نقش ایفا کند. ایران از جمله کشورهای در حال توسعه ای است که می تواند نقش هایی مهم را در فرآیندهای امنیتی در سطوح منطقه ای و حتی جهانی که پیشتر تنها در حوزه فعالیت- های قدرت های بزرگ قرار داشت ایفا کند. نیروهای مسلح و امنیتی ایران پتانسیل اجرای مأموریت های صلح سازی و امنیتی را در بیرون از مرزها دارند. تجربه سالهای گذشته نشان داده است که امنیت و صلح در منطقه بدون همکاری و مشارکت ایران امکان ناپذیر است. (رضایی، ۱۳۸۴: ۳۵) طبیعی است که افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران برای اسرائیل خوشایند نخواهد بود.

از نظر ایدئولوژیکی هم تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین الملل رخ داد و ارزش ها و هنجارهایی را مطرح نمود که با منافع قدرت های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت. تحقق اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) بدون تبدیل شدن ایران به قدرت منطقه ای امکان پذیر نمی باشد. آرمان ها و انگاره های انقلاب اسلامی می تواند یک بستر فکری مناسب برای تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه ای شود. جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه ی بشری را آرمان خود می داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد، به همین دلیل از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه

ادامه و گسترش برنامه ی هسته ایش دارد این است که دولت جمهوری اسلامی ایران جاه طلبی دستیابی به تسلیحات اتمی را در سر می پروراند. تحلیلگران اسرائیلی نگرانند که ایران مسلح به سلاح های اتمی چالش جدی برای این رژیم در سالهای آینده باشد و آنها ناگزیر شوند که استراتژی منطقه ای خود را از نو طراحی کنند. (لطفیان، ۱۳۸۱: ۸-۹) علیرغم اقدامات و شفاف سازی های جمهوری اسلامی ایران در این راستا اسرائیل همچنان در قبال روند هسته ای شدن ایران با رویکردی امنیتی-نظامی می نگرد و بیشتر نگرانی این رژیم از این روست که این روند را به طور کلی نظامی می بیند. یکی از نگرانی های عمده ی استراتژیک اسرائیل ناشی از پیشرفت برنامه های موشک بالستیک جمهوری اسلامی ایران و توانایی آنها در حمل کلاهک های هسته ای است. اسرائیل نگران یک ایران مجهز به توانایی هسته ای است زیرا اولاً یک ایران مسلح به سلاح هسته ای مستعد رفتار تهاجمی تری در برابر کشورهای دیگر از جمله اسرائیل است چرا که چتر هسته ای به ایران احساس اعتماد به نفس بیشتری می دهد. ثانیاً توانایی هسته ای جایگاه ایران را به عنوان حامی اصلی عناصر رادیکال در منطقه تقویت می کند و این امر سبب می شود تا کشورهای میانه روی منطقه سیاست های خود را به ایران نزدیکتر کنند و همین مسئله به روابط صلح آمیز آنها با اسرائیل آسیب می زند. ثالثاً وجود تسلیحات هسته ای در ایران باعث ایجاد یک رقابت تسلیحاتی در منطقه می شود و این انگیزه را در کشورهای دیگر ایجاد می کند که به توسعه تسلیحات هسته ای روی بیاورند. (چراغ افروز، ۱۳۸۹: ۹) این ادعاها در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی ایران و بویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها اعلام کرده اند که ایران در پی دست یابی به فناوری صلح آمیز هسته ای است و هیچگاه بدنبال دست یابی به سلاح هسته ای نبوده و نخواهد بود.

اعتماد است. این رژیم از توانایی ها و پیشرفت ایران در زمینه های گوناگون از جمله توانایی های نظامی و فعالیت هایی که برگرفته از ایدئولوژی اسلامی و ماهیت جمهوری اسلامی است نگران است و مخالفت های آشکار جمهوری اسلامی ایران با مواضع و سیاست های اسرائیل در قبال مسئله ی فلسطین را بر ضد امنیت و منافع خود می داند.

این رژیم، ایران را تهدید اصلی و دشمن درجه یک امنیت و حیات خود می داند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران ماهیتی اسلامی و انقلابی و جهت گیری تغییر وضع موجود را دنبال می کند و با توجه به اینکه از دیدگاه مقامات انقلابی ایران، اسرائیل به عنوان واحدی مداخله گر به شمار می آید که کارکرد منطقه ای آن در راستای تأمین منافع آمریکا، ایفای نقش ژاندارم منطقه ای و حفظ وضع موجود است. از این رو مواضع ایران مبتنی بر اعتبار اسلامی-انقلابی ماهیتی ضد اسرائیلی دارد. (متقی، ۱۳۷۶: ۷۲) اصول و آرمان های انقلاب اسلامی نافی موجودیت نژادپرستانه ی صهیونیسم است. جمهوری اسلامی ایران که نظامی برآمده از انقلاب است و بر اساس اعتقاد اسلامی شیعه شکل گرفته است. اعتقادات اساساً جوهری انسانی، ضد سلطه و ظلم ستیز دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصول مختلف آن به کرات بر این موضوع تأکید شده است. (رضوی، ۱۳۷۹: ۹۲)

رژیم اسرائیل نسبت به توانایی های ایران در زمینه های گوناگون به خصوص پیشرفت های هسته ای ایران اعتماد ندارد، از دیدگاه مقامات سیاسی و نظامی این رژیم، اگر ایران به فناوری هسته ای دسترسی پیدا کند در حد صلح آمیز آن متوقف نخواهد شد، لذا باید از هسته ای شدن ایران جلوگیری نمود به همین دلیل این رژیم بازیگر منطقه ای اصلی در مقابله با ایران در مسئله هسته ای است. برخی از رهبران یهودی و طرفداران اسرائیل، حتی کاربرد زور و تهاجم نظامی را برای رفع تهدید ایران پیشنهاد کرده اند. دیدگاهی که رژیم اسرائیل در مورد نیت و اهداف واقعی ایران برای

۴ اتحاد ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل در مقابل جمهوری اسلامی ایران

در تحلیل سیستمی هرگاه دولتی منافع و امنیتش در خطر باشد (اسرائیل)، برای نجات و یا ازدیاد قدرت خود به یک قدرت برتر (آمریکا) نزدیک می شود و با آن اتحاد برقرار می کند. همانطور که پیش تر اشاره شد از نظر والت در حالت احساس تهدید یکی از راه هایی که دولت ها مد نظر قرار می دهند موازنه سازی در قبال تهدید است. (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

رژیم اسرائیل با توجه به جمعیت اندک و فقدان موقعیت مناسب ژئوپلیتیک و انزوایی که در میان کشورهای عرب همسایه دارد، از همان ابتدای تأسیس خود با نوعی احساس نا امنی مواجه است، به همین دلیل از پیشرفت کشورهای منطقه مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران که دشمن اصلی این رژیم محسوب می شود به شدت نگران است. از اینرو با صرف هزینه های زیاد سعی در به انزوا کشیدن ایران را دارد. همچنین از آنجا که دفع تهدید ایران در توان یک قدرت منطقه ای مانند اسرائیل نیست، از طریق اتحاد با آمریکا سعی می کند این تهدید را دفع کند. لذا آنها تلاش زیادی را مصروف نزدیکی بیشتر به آمریکا و نیز جلوگیری از کاهش تنش ها و خصومت ها میان تهران و واشنگتن می کنند زیرا تشدید منازعه میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده می تواند منافع این رژیم را تأمین کند و مقامات کاخ سفید را برای دفع تهدیدهای احتمالی ایران با خود همراه سازد.

مقامات رژیم اسرائیل در تبلیغات منفی خود علیه جمهوری اسلامی ایران در آمریکا به عوامل خطر آفرین از جانب ایران نظیر برنامه ی هسته ای و ترس از به هم خوردن موازنه ی قوا به ضرر اسرائیل، حمایت از جنبش های آزادی بخش و مخالفت با روند صلح خاورمیانه و انکار هولوکاست توسط ایران اشاره می کنند و با جلب حمایت های

ایالات متحده آمریکا سعی می کنند با تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب ایران هراسی تهدیدات متصور از سوی این کشور را دفع کنند. رویکرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی اسرائیل در آمریکا است. این لابی پس از انقلاب اسلامی سعی کرده است که همواره در کلیه تصمیمات مرتبط با ایران، علیه جمهوری اسلامی در نهادهای قانونگذاری آمریکا نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

از نظر تاریخی از همان زمان شکل گیری رژیم اسرائیل که با ظهور آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی همزمان بود، یهودیان آمریکا فعالانه لابی گری را آغاز کردند. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۵۲) از مطالعه ی تاریخ سیاسی در آمریکا معلوم می شود که یهودیان مقیم آن کشور همیشه در حساس ترین مراکز تصمیم گیری قرار گرفته اند. در آمریکا بیش از ۳۰۰ سازمان کوچک و بزرگ یهودی به ثبت رسیده که دست اندر کار فعالیت سیاسی در سطوح مختلف آن کشور می باشند. (سعیدی نژاد، ۱۳۸۰: ۱۶۷)

لابی مدافع یهود و اسرائیل به طیفی گسترده از گروه های ذی نفع یهودی اشاره دارد که بر اساس برخورداری از هویت قانونی، قدرت اقتصادی فراوان، ارتباط گسترده ی سیاسی با شخصیت های ذی نفوذ، تأمین جامعه ی یهودی، به ویژه رژیم اسرائیل را در رأس اولویت های ملی و فراملی خویش قرار داده اند. (کیوان حسینی، ۱۳۸۸: ۶۳) لابی یهود در آمریکا شامل سازمان ها، گروه های اجتماعی و جریان هایی اعم از یهودی و غیر یهودی است که به طور غیر مستقیم، برای تأثیر گذاری بر تصمیم گیری های سیاسی در واشنگتن، با هدف تأمین منافع اسرائیل، به صورت گسترده ای تلاش می کنند. (آهوپی، ۱۳۹۰: ۱۱۲) لابی رسمی اسرائیل در آمریکا، شامل چند گروه فشار محدود اما پر قدرت است که به طور رسمی به ثبت رسیده اند و وظیفه ی خود را تأثیر گذاری بر تصمیم های هیأت حاکمه ی آمریکا در رابطه با اسرائیل اعلام کرده اند. از مهمترین این گروه ها می توان از کمیته ی امور عمومی آمریکا -

چرخه ی سوخت می تواند رهبران آمریکا را به سوی مذاکره با ایران بکشاند چیزی که رژیم اسرائیل همواره از آن هراس دارد. در نتیجه جای تعجب نیست که آنها از طریق اتحاد با ایالات متحده آمریکا و جلب حمایت های این کشور، مانع دستیابی ایران به هر نوع فناوری پیشرفته هسته ای شوند. بنابراین رژیم اسرائیل تمام تلاش خود را می کند تا از طریق نفوذ در نظام تصمیم گیری آمریکا مانع از هسته ای شدن ایران شود. (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۵۰)

اسرائیل در پاسخ به اندیشه ی "جهان بدون صهیونیسم" و "محو اسرائیل از نقشه ی جهانی" در پی "محو برنامه ی هسته ای ایران" است. انگیزه ی اصلی رژیم اسرائیل از برتری نظامی در منطقه به دلیل ترس دائمی و احساس نا امنی این رژیم است. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۹۸) ایران به عنوان اصلی ترین دشمن اسرائیل به هیچ وجه نباید به فناوری هسته ای که به زعم آنها مقدمه ی دستیابی به سلاح هسته ای است، دست یابد، زیرا آنها بر این اعتقادند که:

۱. در صورت هسته ای شدن ایران بازی "دومینو" در منطقه برقرار می شود. بدین معنا که در پی دستیابی ایران به فناوری هسته ای، کشورهای نظیر عربستان سعودی، مصر، عراق، ترکیه و ... نیز به پیروی از ایران به توسعه ی برنامه های هسته ای خویش اقدام خواهند کرد و لذا استحکام امنیتی اسرائیل به هم خواهد خورد. (www.Ndu.edu, 2005/06/01)

۲. با فرض دستیابی ایران به سلاح هسته ای، گروه های فلسطینی و حزب الله لبنان نیز به سلاح هسته ای مجهز خواهند شد، چرا که ایران از طریق کمک به این گروه ها درصد است تا اسرائیل را از خاورمیانه اخراج و آن را محو کند.

۳. با توجه به برخورداری ایران از موشک های راهبردی شهاب ۳ که قادر هستند هر نقطه ای از اسرائیل را هدف قرار دهند، ایران

اسرائیل موسوم به "آپیک" نام برد که بیشتر اعضای رسمی و رهبران این کمیته یهودی هستند. (آهوپی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

کمیته ی امور عمومی اسرائیل و آمریکا (آپیک) در سال ۱۹۵۹ با هدف افزایش کمک اقتصادی آمریکا به اسرائیل تشکیل گردید و بیش از هر سازمان یهودی، مدافع سیاست های رژیم اسرائیل می باشد. این کمیته از سال ۱۹۸۲ به بعد، اولویت های گوناگونی را به عنوان وظیفه ی خود پذیرفته است که از آن جمله است تلاش برای تأمین کمک های خارجی بیشتر برای اسرائیل، همکاری راهبردی بیشتر بین آمریکا و اسرائیل، به رسمیت شناختن اورشلیم (بیت المقدس) به عنوان پایتخت اسرائیل از طرف آمریکا و اتخاذ خط مشی های اقتصادی و بازرگانی در جهت تأمین منافع بیشتر برای اسرائیل. (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۴۱) جمعیت یهودیان در آمریکا حدود ۲/۵ درصد است اما با این وجود آپیک، بزرگترین لابی یهودیان، یکی از سه لابی قدرتمند در آمریکا به شمار می رود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۱) آپیک مدعی است این لابی با برگزاری بیش از دو هزار ملاقات با اعضای کنگره ی آمریکا در سال، بیش از ۱۰۰ قانون طرفدار اسرائیل و یهودیان را به تصویب کنگره می رساند. (همان: ۱۴۲) رژیم اسرائیل از بدو تأسیس با استفاده از قدرت این لابی ها توانسته است نفوذ خود را در دستگاه سیاست خارجی آمریکا حفظ کند. آنها با توجه به امور زیر به توسعه ایران هراسی و تلاش برای تقابل با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق همراه سازی با ایالات متحده اقدام کرده اند:

۴٫۱ هراس از برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران

برنامه ی هسته ای ایران بیش از هر کشوری اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. افزایش قدرت ایران در منطقه باعث قدرتمند شدن مخالفان رژیم اسرائیل و جنبش های مقاومت فلسطینی خواهد شد که به نفع رژیم اسرائیل نیست، به علاوه افزایش قدرت این کشور به واسطه ی دستیابی به فناوری حساس

اصول و مبانی سیاست خارجی ایران قابل تفسیر می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که: "قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند." (منصور، ۱۳۸۵: ۱۹) در اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است که: "جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند." (منصوری، ۱۳۸۵: ۸۵)

از دیدگاه مقامات اسرائیلی، ایران با پشتیبانی از گروه های حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب الله لبنان، درصدد است تا با عملیات های مختلف علیه منافع این رژیم، آنها را منزوی و به خروج از اسرائیل وادار کند. (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۳) همچنین این نگاه رایج در اسرائیل و آمریکا وجود دارد که در صورت مسلح شدن ایران به سلاح های هسته ای از طریق گروه های اسلامی همچون حزب الله، حماس و جهاد اسلامی، امنیت اسرائیل از داخل نیز به شدت در معرض خطر قرار می‌گیرد. (احدی، ۱۳۸۵: ۱۸۱)

به عقیده‌ی مقامات رژیم اسرائیل، سیاست ها و ارزش هایی که به وسیله‌ی ایران دنبال می‌شود در حکم خطری مهم برای اسرائیل است. (شمس، ۱۳۷۷: ۱۷۵) اسرائیل ادعا می‌کند که تا کنون دو ضربه‌ی بسیار سخت را که در طول تاریخ تأسیس آن بی سابقه بوده از سوی جمهوری اسلامی ایران متحمل شده است. یکی از این ضربات در لبنان بوده، به طوری که این رژیم ناگزیر شده نیروهای

هسته ای می‌تواند به منزله‌ی پایان حکومت رژیم اسرائیل محسوب گردد. (Behgat, 2005: 38)

در این رابطه شائول موفاز وزیر جنگ سابق رژیم اسرائیل در مصاحبه خود با روزنامه "یدیعوت آحارنوت" گفته است که: "اسرائیل باید تمام تهدیدات هسته ای ایران را که خطر اصلی موجودیت اسرائیل است، جدی بگیرد و آمادگی خود را برای رویارویی با تهدیدات ایران آغاز کند." وی در سخنرانی مورخ ۲۳ آوریل ۲۰۰۶ خود در دانشگاه تل آویو نیز گفته است که: "برنامه‌ی هسته ای ایران جدی ترین تهدید بر ضد اسرائیل از زمان وقوع هولوکاست تاکنون است و جهان باید برای متوقف کردن ایران اقدام کند." (عباسی، ۱۳۸۵: ۲)

در این خصوص استراتژیست های آمریکایی معتقدند که در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته ای، امنیت اسرائیل در خاورمیانه با خطر مواجه خواهد شد، زیرا احتمال به کارگیری این سلاح ها علیه اسرائیل و محو این رژیم از نقشه‌ی خاورمیانه وجود دارد. از آنجا که ایالات متحده خود را متعهد به دفاع از امنیت ملی اسرائیل می‌داند، تلاش دارد تا از طریق فشارهای بین المللی و حتی توسل جستن به زور در صورت ضرورت، از امنیت ملی اسرائیل دفاع کند. (عباسی، ۱۳۸۵: ۳)

۴٫۲ هراس از حمایت های ایران از جنبش های آزادی بخش

انقلاب اسلامی در ایران با توجه به ویژگی جهانشمولی آن موجب احیای هویت اسلامی و بروز جنبش های مختلف در جهان اسلام شده است. نابودی رژیم اسرائیل و حمایت از نهضت های آزادی بخش که با این رژیم مبارزه می‌کنند مانند حماس، جهاد اسلامی و حزب الله لبنان، از جمله اهداف مهم در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کمک‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران به گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی در راستای

اسلامی ایران را مهد تروریسم و در تیر رس حملات آمریکا قرار دهد. در ابتدای قرن بیست و یکم اسرائیل در تحلیل موقعیت خود در خاورمیانه ی پس از جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از مهمترین خطرات نسبت به موجودیت اسرائیل تلقی کرده و اعلام نمود که: "ایران تا یک دهه آینده تبدیل به نیروی مسلط خاورمیانه خواهد شد، همچنین ایران به عنوان مرکزیت الهام بخش بنیادگرایی اسلامی و حمایت کننده ی عملی این جریان، تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای، کسب موشک های دوربرد منطقه ای و تلاش برای کسب موشک های دور برد قاره پیما، یک مانع عمده در برابر فرآیند صلح خاورمیانه، مرکز صدور تروریسم بین المللی در تمامی مناطق دنیا، تلاش برای کسب سلاح های بیولوژیکی و شیمیایی و خطرناک ترین کشور نسبت به موجودیت و آینده ی اسرائیل است و باید با قدرت در برابر ایران ایستاد و از قدرت یابی بیشتر این کشور جلوگیری کرد." (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷) از اواخر سال ۲۰۰۱، حجم گسترده ای از مقالات و نوشته هایی که خطر ایران را تبلیغ و بزرگ نمایی می کردند، در اسرائیل منتشر شد و حتی دامنه ی این نوع جهت گیری، به نظام طراحی و تنظیم راهبرد امنیت ملی این رژیم تسری یافت، تا آنجا که بعد از انتفاضه، تهدید ایران از موقعیت خاصی در راهبرد مزبور برخوردار شد. (کیوان حسینی و زارعی هدک، ۱۳۹۱: ۱۲۰) شارون نخست وزیر سابق این رژیم در مصاحبه ای با روزنامه ی تایمز لندن ایران را "مهد تروریسم جهانی" خواند و از آمریکا خواست پس از شکست عراق با ایران بجنگد. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

رسانه های صهیونیستی در این رابطه همواره با مشوش کردن افکار عمومی جهان، در صد ایجاد گفتمانی هستند که اجماع جهانی علیه ایران را القا می کند. در همین راستا این رسانه ها با استفاده از سیاست "دیو نشان دادن جمهوری اسلامی ایران و اهداف آن" تلاش می کنند افکار عمومی جهانی را در راستای منافع و اهداف خود تحت تأثیر قرار دهند. برخی از این شیوه ها و روش هایی که با هدف

خود را از لبنان بیرون ببرد. ضربه ی دوم در خود فلسطین بوده و توسط انتفاضه صورت گرفته است. در این رابطه، اسرائیل مدعی است که جمهوری اسلامی ایران از حماس و جهاد اسلامی حمایت می کند و با این اقدام خود موجب تداوم و شعله ور شدن آتش انتفاضه می شود. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۸۳)

جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، از لبنان و حزب الله حمایت کرد و سیاست های خود را در راستای دفاع از مستضعفین و جنبش های آزادی بخش تنظیم نمود. سیاست ایران در این جنگ جلوه گر بالاترین درجه ی حمایت ایران از حزب الله بود. رژیم اسرائیل هم در طول جنگ تبلیغات گسترده ای به راه انداخته بود که در واقع این ایران است که در جبهه ی لبنان می جنگد و در حین جنگ هم برخی از شخصیت های سیاسی، این جنگ را جنگ رژیم اسرائیل با ایران خطاب کردند. (عباسی و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و گروه های مقاومت فلسطینی در جنگ های ۲۲ و ۸ روزه غزه بر ارتش رژیم اسرائیل که تا آن زمان اعراب آن را شکست ناپذیر می دانستند، در واقع پیروزی الگوی انقلاب اسلامی ایران بود.

اسرائیل همواره در پی آن بوده است تا با برجسته کردن موضوع حمایت تسلیحاتی ایران از حماس و دیگر گروه های مقاومت که از سوی آمریکا گروه های تروریستی تلقی می شوند، تهدیدات ایران را برای آمریکا و منافع منطقه ای آن، به آنها گوشزد نماید و در نتیجه از این طریق بستر مناسبی را برای اولاً جلوگیری از مذاکرات احتمالی میان تهران و واشنگتن و ثانیاً تشدید فشار بر ایران از طریق آمریکا مهیا کند.

۵ دفع تهدید با ایران هراسی

رژیم اسرائیل با تبلیغات منفی خود سعی دارد اسلام سیاسی که مبدع آن انقلاب اسلامی ایران است را نزد دیگران خشن و ترسناک جلوه دهد و جمهوری

فرآیند کانالیزه کردن کشورهای عربی منطقه، پازل آمریکا و لابی صهیونیسم را در جهت ایجاد جبهه عربی - اسرائیلی - آمریکایی کامل می‌کند.

زمینه‌سازی برای منزوی ساختن ایران در عرصه بین‌المللی هدف دیگر اجرای راهبرد ایران هراسی می‌باشد. تل آویو و واشنگتن با تأکید بر راهبرد مذکور در واقع سعی دارند به هر طریق ممکن مانع پیشرفت های علمی، فناوری و نظامی ایران شوند. ضمن آنکه اجرای راهبرد ایران هراسی به زعم صهیونیست ها، می‌تواند باعث شکل‌گیری اجماع ضد ایرانی در جهان شده و بازیگران رسمی و غیررسمی را با سیاست‌های ایران‌ستیزانه همراه نماید.

۶ نتیجه گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل قطع شد و دو طرف یکدیگر را به عنوان دشمنان خود در منطقه خاورمیانه مورد شناسایی قرار دادند. جمهوری اسلامی ایران در راستای اصول قانون اساسی که منبعث از قرآن و اسلام است حمایت از جنبش های اسلامی آزادیبخش را در دستور کار خود قرار داد و لذا حمایت از گروههای مقاومت فلسطینی و لبنانی در زمره اولویت های اصلی سیاست خارجی ایران در خاورمیانه قرار گرفت. این گروهها که برای آزادسازی سرزمین خود از دست اشغالگران مبارزه می نمودند مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. این اقدام ایران از جانب اسرائیلی ها افزون بر اینکه پشتیبانی از گروههای تروریستی محسوب می شد به مثابه اقدام بر علیه امنیت و موجودیت اسرائیل بود. لذا این رژیم برای مقابله با نفوذ ایران و با هدف موازنه در برابر قدرت تهدیدگر تلاش نمود تا پیوندهای سیاسی و نظامی خود را بیش از پیش با ایالات متحده بعنوان متحد راهبردی خود تقویت نماید.

بر اساس نظریه موازنه تهدید که مبنای تئوریک این پژوهش است. اسرائیلی ها دست یابی جمهوری

پیشبرد راهبرد ایران هراسی استفاده می شود، عبارتست از:

۱. بهره گیری از بار منفی واژه ها، کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی (نسبت دادن بنیادگرایی به ایران).

۲. وانمایی و سیاه نمایی در خصوص ایران (تهیه و نمایش فیلم ۳۰۰).

۳. بهره گیری از شیوه ی ارباب (القای خطر فناوری موشکی ایران برای اروپا).

۴. انگاره سازی هدفمند (قرار دادن تصویر آقای محمود احمدی نژاد در کنار تصویر هیتلر).

۵. استفاده از شیوه های همسان سازی (قرار دادن نام سپاه در فهرست سازمان های تروریستی).

۶. تحریف اخبار مرتبط با ایران (غیر صلح آمیز معرفی کردن پیشرفت های هسته ای ایران).

۷. القای مستقیم و غیر مستقیم (معرفی ایران به عنوان محور شرارت و کانون شرارت در جهان).

۸. بهره گیری از شیوه ی تکرار (ایران به دنبال استیلا بر کشورهای منطقه است). (جمعه ای، داوری و تقی بیگی، ۱۳۸۷: ۲۹۲)

اسرائیلی ها در این رابطه تلاش کرده اند تا با تأکید بر راهبرد ایران هراسی، تحولات منبعث از پیروزی بزرگ حزب الله در جنگ جولای ۲۰۰۶ و گروههای فلسطینی در جنگ های ۲۲ روزه و ۸ روزه را مدیریت نمایند و از این طریق خطر ایران را برای منافع آمریکا و غرب در خاورمیانه بزرگ جلوه دهند. همچنین آنها با پی گیری پروژه ایران هراسی به دنبال این هدف می‌باشند که با ایجاد هول و هراس در بین کشورهای عربی از قدرت نفوذ ایران در منطقه و به هم خوردن موازنه به ضرر آنها، این کشورها را وادار به بازی کردن در میدان بازی تعیین شده نمایند.

جمهوری اسلامی ایران بعنوان کشور تهدیدگر موازنه منطقه ای و امنیت این رژیم فروگذاری نمی کنند.

عواملی مانند ماهیت جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل و تضاد منافع این دو با یکدیگر، نزدیکی منافع آمریکا و رژیم اسرائیل، تأثیر و نفوذ بسیار بالای لابی های یهودی در سیاستگذاری خارجی آمریکا علیه ایران، حمایت های گسترده ی آمریکا از این رژیم بر علیه جمهوری اسلامی ایران و فعالیت های مستمر رژیم اسرائیل با کمک ها و حمایت های آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران همگی حاکی از شکل گیری موازنه تهدید میان اسرائیل و آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران است.

اسلامی ایران به فناوری هسته ای را موجب به هم خوردن موازنه قدرت در خاورمیانه به ضرر خویش می بینند، آنها حمایت ایران از گروههای مقاومت فلسطینی و لبنانی را تهدیدی وجودی برای حیات خود قلمداد می کنند و انکار هولوکاست توسط جمهوری اسلامی ایران را به مثابه از بین رفتن پایه ها و ریشه های مشروعیت خود می دانند. آنها همچنین جمهوری اسلامی ایران را به علت حمایت از گروههای مقاومت، حامی تروریسم و بر هم زنده نظم در خاورمیانه بر علیه خود می دانند. لذا در این شرایط با توجه به قدرت بالای کشور تهدیدگر آنها در صدد تقویت اتحاد خویش با ایالات متحده و ایجاد موازنه تهدید می کنند تا از این طریق موقعیت خود را در منطقه ارتقاء دهند. افزون بر این، آنها از هیچ اقدامی برای ایران هراسی و تبلیغ بر علیه

منابع

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و محمدجواد تاجیک (۱۳۸۲) "الگوهای صدور انقلاب در گفتمان های سیاست خارجی ایران"، **فصلنامه ی راهبرد**، شماره ی ۲۷.

رضایی، محسن (۱۳۸۴) "ایران محور هژمونیک و قدرت برتر منطقه ی آسیای جنوب غربی"، **فصلنامه ژئوپولیتیک**، ویژه نامه ی بهار

رضوی، مهدی (۱۳۷۹) **نیرنگ سازی صهیونیسم (خطوط کلی توطئه ی انزوای جمهوری اسلامی ایران)**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سجادپور، محمدکاظم و سعیده اجتهادی (۱۳۸۹) "نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه ی موردی برنامه ی هسته ای جمهوری اسلامی ایران"، **دو فصلنامه ی دانش سیاسی**، شماره ی ۱.

سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۰) "چرا آمریکا به اسرائیل کمک می کند"، **فصلنامه ی سیاست خارجی**، شماره ی ۵۷.

شعرباف، جواد (۱۳۹۱) "موازنه ی تهدید؛ جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی"، **فصلنامه ی دیپلماسی دفاعی**، شماره ی ۴.

شمس، مرتضی (۱۳۷۷) "تهدیدهای نظامی- امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه ی مطالعات راهبردی**، پیش شماره ی دوم.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵) "نقش اروپا و آمریکا در حیات سیاسی اسرائیل"، **فصلنامه ی مریان**، شماره ۲۰.

طاهری، زهرا (۱۳۸۶) **مجموعه مقالات سمینار بین المللی بررسی هولوکاست: چشم انداز جهانی**، تهران: وزارت امور خارجه.

طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰) **لابی یهودیان آمریکا کارگزار تحریم ایران**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

آهوپی، مهدی (۱۳۹۰) "نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت"، **فصلنامه ی مطالعات جهان**، شماره ی ۱.

احدی، افسانه (۱۳۸۵) "اسرائیل و برنامه ی هسته ای ایران"، **فصلنامه ی مطالعات خاورمیانه**، شماره ی ۲ و ۳.

ترابی، قاسم (۱۳۸۸) "موازنه ی تهدید: موازنه ی قوا یا اتحاد با طرف تهدید کننده"، **ماهنامه ی اطلاعات راهبردی**، شماره ی ۷۴.

جعفری، علی اکبر (۱۳۸۸) **منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا- اسرائیل**، تهران: پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.

جعفری، علی اکبر (۱۳۸۶) "نظریه ی نئورئالیسم و اتحاد استراتژیک میان آمریکا- اسرائیل"، **فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران**، شماره ی ۶.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲) **روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)**، تهران: انتشارات آوای نور.

جمعه ای، روح الله و عبدالرضا داوری و یاسمن تقی بیگی (۱۳۸۷) "کالبد شکافی شبهه افکنی های رسانه های استکباری علیه جمهوری اسلامی ایران"، در کتاب: **گونه شناسی عملیات روانی؛ مهندسی و آینده پژوهی**، تنظیم محمدحسن جعفری، تهران: ستاد کل نیروهای مسلح.

چراغ افروز، رضا (۱۳۸۹) "نگاه اسرائیل به ایران هسته ای"، **فصلنامه ی گزارش**، شماره ی ۱۸۸.

حسینی اسفیدواجانی، سیدمهدی (۱۳۸۵) "سیاست خارجی ایران و نظام بین الملل کنونی"، **فصلنامه ی اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ی ۲۲۵-۲۲۶.

حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۷۶) "ایران، نفت و نقش آن در قدرت، حکومت و ثبات کشور"، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ی ۹.

تهدیدی وجودی برای اسرائیل و لابی مدافع آن"،
پژوهشنامه ی سیاست بین الملل، شماره ۱.

گلشنی، علیرضا و محسن باقری (۱۳۹۱) "جایگاه
حزب الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری
اسلامی ایران"، **فصلنامه ی تحقیقات سیاسی و بین
المللی**، شماره ۱۱.

لطفیان، سعیده (۱۳۸۱) "سیاست روسیه در قبال
رژیم عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی با تأکید
بر ایران"، **فصلنامه ی مطالعات آسیای مرکزی و
قفقاز**، شماره ۳۸.

لطفیان، سعیده (۱۳۸۷) "ایران و خاورمیانه: انتخاب
های دشوار و موضوعیت واقع گرایی"، **فصلنامه
سیاست**، شماره ۷.

لیتل، ریچارد (۱۳۸۹) **تحول در نظریه های موازنه ی
قوا**، بررسی و ترجمه ی غلامعلی چگنی زاده، تهران:
مؤسسه ی فرهنگ مطالعات و تحقیقات بین المللی
ابرار معاصر.

ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹) "جنگ نرم و عملیات
روانی رژیم صهیونیستی در برابر برنامه ی هسته ای
جمهوری اسلامی ایران"، در کتاب: **مطالعات موردی
در عملیات روانی**، تهران: ستاد کل نیروهای مسلح،
معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی.

متقی، ابراهیم (۱۳۷۶) "تحلیل رفتار اسرائیل در برابر
جمهوری اسلامی ایران"، **مجله ی سیاست دفاعی**،
شماره ۱۸.

منصوری، جواد (۱۳۸۵) **آمریکا و خاورمیانه**، تهران:
انتشارات وزارت امور خارجه.

عباسی، مجید (۱۳۸۵) "نقش اسرائیل در تقابل
هسته ای ایران و آمریکا"، **گزارش راهبردی مرکز
تحقیقات استراتژیک**، شماره ۳۷.

عباسی، مجید (۱۳۸۹) "عملیات روانی رژیم
صهیونیستی بر ضد برنامه ی صلح آمیز هسته ای
جمهوری اسلامی ایران"، در کتاب: **مطالعات موردی
در عملیات روانی**، تهران: ستاد کل نیروهای مسلح،
معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی.

عباسی، مجید و حسن صادقی (۱۳۹۱) "تأثیر
سیاست های آمریکا و فرانسه بر روابط جمهوری
اسلامی ایران و لبنان (مطالعه ی موردی: جنگ ۳۳
روزه)"، **فصلنامه ی سیاست خارجی**، شماره ۱.

غرایاق زندی، داود (۱۳۸۷) **محیط امنیتی پیرامونی
جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده ی
مطالعات راهبردی.

فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵) "علل نگرانی غرب از
انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپولیتیک
شیعه)"، **فصلنامه ی علوم سیاسی**، شماره ۳۶.

قاسمی، علی پاشا (۱۳۹۰) "بررسی عوامل مؤثر بر
تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی"، **فصلنامه ی
مطالعات فلسطین**، شماره ۱۲.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷) "اسرائیل و استمرار تنش ها
میان ایران و آمریکا"، **فصلنامه ی مطالعات راهبردی**،
شماره ۳۹.

کیوان حسینی، اصغر (۱۳۸۸) **لابی یهود و سیاست
خارجی آمریکا (با تأکید بر تصویر سازی لابی یهود
علیه ایران)**، تهران: اندیشه سازان نور.

کیوان حسینی، سیداصغر و معصومه زارعی هدک
(۱۳۹۱) "یازدهم سپتامبر و تبدیل تهدید ایران به

<http://www.Ndu.edu,2005/01/06>.

Bahgat, Gawdat (2005) "Nuclear
Proliferation in the Middle East:
Iran and Israel", **Contemporary Se-
curity Policy**, Vol 26, No 1, April.